

آمار
گزارش مرکز آمار از رشد اقتصادی ایران؛ چرا رشد اقتصادی ایران منفی ۱۰ درصد شد؟ سعیده اسکندری / گروه تحریریه news@naslefarda.net
مرکز آمار ایران به تازگی در گزارشی اعلام کرده که در بهار ۱۴۰۵، تولید ناخالص داخلی ایران نسبت به بهار سال قبل، ۱۰،۱ درصد کاهش یافته است. این یعنی رشد اقتصادی کشور منفی شده و تولید و خلق ثروت به طور میانگین در کشور بیش از ۱۰ درصد کاهش یافته است. عدد منفی ۱۰،۱ درصد را نمی‌توان صرفاً یک رکود معمولی دانست. این رقم حاصل برخورد جنگ، شوک نفتی، اختلال تجارت و ضعف‌های انباشته ساختاری با یکدیگر است. نکته مهم این است که فاصله رشد با نفت و بدون نفت — ۱۰،۱- در برابر ۴،۶- درصد — نشان می‌دهد بخش نفت سهم بسیار مهمی در شدت گرفتن کاهش مذکور داشته است. نخستین عامل در تحقق این وضعیت، جنگ افزوزی آمریکا و اسرائیل علیه کشورمان است. موضوعی که تقریباً تمام فصل بهار گذشته را دربرگرفت. حملات نظامی، نااطمینانی شدید ایجاد کرد، فعالیت بنگاه‌ها و زیرسجه‌های تأمین را مختل کرد و هزینه تأثیر قابل توجهی بر رقم نهایی سبد خرید جهانی نیز در ارزیابی خود، اختلال ناشی از درگیری، تحریم‌ها و محدودیت‌های تجارت و انرژی را از عوامل اصلی فشار بر اقتصاد ایران دانسته است. عامل دوم، نفت و مسیرهای صادرات آن است. نفت در اقتصاد ایران فقط یک صنعت نیست بلکه درآمد ارزی دولت، واردات، بودجه و بخش بزرگی از فعالیت‌های وابسته به آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در طول جنگ، اختلال در تردد نفتکش‌ها در تنگه هرمز و آسیب به جریان صادرات منطقه‌ای، بازار نفت را دچار شوک کرد. روندی که هنوز هم ادامه دارد. آژانس بین‌المللی انرژی گزارش کرده که تولید و صادرات نفت منطقه در ماه‌های جنگ به‌شدت از سطح پیش از جنگ فاصله گرفته است. عامل سوم، صنعت و معدن است. جایی که سقوط ۱۴،۷ درصدی ثبت شده و عملاً موتور اصلی انقباض اقتصاد غیر کشاورزی بوده است. جنگ، کمبود انرژی، دشواری تأمین مواد اولیه و قطعات، اختلال حمل‌ونقل و کاهش تقاضا همزمان بر تولیدکنندگان فشار وارد کردند. بنابراین کاهش تولید ناخالصی داخلی بدون نفت نیز قابل توجه است و نشان می‌دهد مساله صرفاً «کاهش تولید نفت» نیست. عامل چهارم، سرمایه‌گذاری و نااطمینانی است. در شرایط جنگی، بنگاه‌ها معمولاً سرمایه‌گذاری‌های جدید را به تعویق می‌اندازند و خانوارها نیز مصرف کالاها را باادوم را کاهش می‌دهند. در اقتصاد ایران این شوک روی مشکلات قدیمی‌تر مانند تحریم، تورم بالا، افت ارزش ریال، کمبود انرژی و ضعف دسترس‌سی به منابع جهانی سوار شده است. بانک جهانی نیز پیش از این جنگ، رشد اقتصاد ایران را تحت فشار همین محدودیت‌های ساختاری می‌دانست. نکته مهم درباره شرایط کنونی این است که بخشی از فشارهای جنگی نه‌تنها پایا نیافت، بلکه مسیرهای صادرات نفت و تجارت خارجی همچنان با ریسک جدی مواجه هستند. گزارش روبنز در اوائل ماه سپتامبر جاری ا افت شدید بارگیری نفت ایران و اختلال طولانی مدت صادرات از مسیر تنگه هرمز خبر می‌داد. گزارش‌های دیگری نیز از ادامه تنش و فقدان توافق پایدار سخن می‌گویند. در نتیجه، منفی ۱۰،۱ درصد را باید ترکیب یک شوک جنگی کوتاه‌مدت با ضعف‌های ساختاری بلندمدت دانست. جنگ محرک کاهش بود، اما شدت آن به آسیب‌پذیری‌هایی مربوط است که پیش از جنگ هم وجود داشتند و از جمله آنها می‌توان به وابستگی قابل توجه درآمدها به نفت، تحریم، تورم، کمبود انرژی، ضعف سرمایه‌گذاری و شکنندگی تجارت خارجی، اشاره کرد. به همین دلیل، حتی با کاهش تنش نظامی، بازگشت سریع اقتصاد به سطح پیش از بحران لزوماً خودکار نخواهد بود. سرعت ترمیم به وضعیت صادرات نفت، زیرساخت‌ها، تجارت، سرمایه‌گذاری و ثبات اقتصاد کلان بستگی دارد.

ساتبا هم به سراغ هوش مصنوعی خواهد رفت

قائم‌مقام ساتبا،از تشکیل کارگروه هوش مصنوعی در این سازمان خبر داد و گفت:استفاده از این فناوری در حوزه‌هایی مانند سرمایه‌گذاری، مجوزها، کنترل پروژه و پیش‌بینی تولید دنبال می‌شود.به گزارش مهر، قائم‌مقام سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق (ساتبا) از تشکیل کارگروه هوش مصنوعی در این سازمان خبر داد و گفت: رویکرد ساتبا در این حوزه باید از مطالعات صرف به سمت اجرای کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیندهای سازمان حرکت کند.حمیدرضا عظیمی، قائم‌مقام ساتبا، با اشاره به نقش هوش مصنوعی در تحول صنعت برق اظهار کرد: با توجه به سرعت توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در کشور، بهره‌گیری از هوش مصنوعی نیز باید متناسب با این روند توسعه پیدا کند.وی افزود: نخستین جلسه کارگروه هوش مصنوعی ساتبا در دوره مدیریت جدید برگزار شده و این فناوری یکی از اولویت‌های سازمان است.

اقتصاد

رویداد۲۴: با نزدیک شدن به آغاز سال تحصیلی، بازار لوازم‌التحریر وارد یکی از مهم‌ترین فصل‌های فروش خود شده است؛ اما امسال خانواده‌ها با بازاری مواجه‌اند که قیمت‌ها در آن به سرعت بالا رفته و قدرت خرید خانوار از ایسن افزایش عقب مانده است.

برآوردهای منتشرشده از بازار نشان می‌دهد هزینه تهیه یک سبد متوسط از لوازم‌التحریر و ملزومات اولیه مدرسه برای یک دانش‌آموز به حدود ۱۳ تا ۱۵ میلیون تومان رسیده است؛ رقیعی که هنوز هزینه‌هایی مانند سرویس مدرسه، کتاب‌های کمک آموزشی و بسیاری دیگر از مخارج آموزشی را شامل نمی‌شود.

سبب **۱۵ میلیونی لوازم تحریر مدرسه** افزایش قیمت حتی در ساده‌ترین اقلام مدرسه هم خود را نشان می‌دهد. بر اساس اظهارات منتشرشده از رئیس اتحادیه لوازم‌التحریر، قیمت دفتر ۶۰ برگ از حدود ۱۸۰ هزار تومان به ۳۴۰ هزار تومان رسیده و دفتر ۲۰۰ برگ نیز از حدود ۵۰۰ هزار تومان به یک میلیون تومان افزایش یافته است. قیمت خودکار هم از حدود ۱۰۰ هزار تومان به ۱۵۰ هزار تومان رسیده است.

این اعداد ممکن است برای یک قلم کالا تنها چند صد هزار تومان افزایش به نظر برسند، اما وقتی فهرست خرید مدرسه شامل چندین دفتر، مداد، خودکار، پاک‌کن، تراش، مدادرنگی، جامدادی، کیف و سایر اقلام می‌شود، افزایش قیمت تک‌تک کالاها تأثیر قابل توجهی بر رقم نهایی سبد خرید می‌گذارد.

در برخی برآوردهای بازار، هزینه تهیه لوازم مدرسه برای یک دانش‌آموز به حدود ۱۵ میلیون تومان رسیده است. البته این رقم یک میانگین بازار است و بسته به کیفیت کالا، برند، مقیاس تحصیلی و انتخاب خانواده می‌تواند تفاوت زیادی داشته باشد.

–**کاغذ: مهم اصلی گرانی نوشت‌افزار**
یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش قیمت نوشت‌افزار، رشد هزینه کاغذ و مواد اولیه است. طبق گزارش‌های منتشرشده از فعالان این صنعت،

تحلیلی بر بازار و احتمال افزایش رقم کالابرگ؛

افزایش کالابرگ یک مسکن ضعیف برای زخم عمیق اقتصاد

ملودی دهانی / گروه تحریریه news@naslefarda.net

در این روزها که بحث افزایش نرخ کالابرگ به یکی از داغ‌ترین خبرها و موضوعات معیشتی تبدیل شده و نظرات متناقضی از سوی مسئولان شنیده می‌شود، حالا یک جنگ اعداد به راه افتاده است. در حالی که وعده‌هایی مبنی بر افزایش اعتبار تا ۲ میلیون تومان شنیده می‌شود و از سوی دیگر، وزیر اقتصاد با لحنی محتاطانه اعلام کرد که افزایش اعتبار از ۱۵ مهرماه اتفاق می‌افتد، اما شرط اصلی آن تأمین یک رقم کلان اعتبار است. سسوالی که حالا ذهن میلیون‌ها نفر را درگیر کرده این است که اگر قرار باشد برای یک افزایش ناچیز ۳۰۰ هزار تومانی، ماهی ۸۵۰ میلیارد تومان پول تأمین نشود، تکلیف وعده‌های میلیونی چه می‌شود و آیا واقعا اعتباری در کار است یا با یک بازی تبلیغاتی برای آرام کردن افکار عمومی روبه‌رو هستیم

–**یک مسکن بسیار ضعیف**

مدت‌ها بود که انتظار می‌رفت دولت با توجه به فشار خردکننده هزینه‌های زندگی، اعتباری واقعی و برای کالابرگ‌ها در نظر بگیرد. حتی رئیس‌جمهوری

آمادگی ایران برای صادرات مرغ و تخم مرغ به ازبکستان

وزیر جهاد کشاورزی با تأکید بر تقویت و توسعه همکاری‌های ایران و ازبکستان در حوزه امنیت غذایی گفت: برای توسعه صادرات مرغ و تخم‌مرغ به ازبکستان آمادگی داریم. به گزارش ایرنا از وزارت جهاد کشاورزی، غلامرضا نوری قزلبچه که برای شرکت در نخستین کمیته راهبردی همکاری‌های کشاورزی و همایش فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایران و ازبکستان به تاشکند سفر کرده است، در دیدار ابراهیم عبدالرحمان اف وزیر کشاورزی ازبکستان اظهار داشت: در زمینه صادرات محصولات پروتئینی مرغ و تخم‌مرغ، چنین اصلاح‌شده گاو و همچنین انتقال تجربیات و فناوری‌های نوین و هوشمند در حوزه آبیاری و پهنپادهای کشاورزی به ازبکستان آمادگی کامل داریم. وزیر جهاد کشاورزی افزود: توسعه روابط با همسایگان و کشورهای دوست راهبرد دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران است و بر همین مبنا در سال‌های اخیر و در دولت چهاردهم شاهد تعمیق روابط تهران و تاشکند در حوزه‌های سیاسی، دیپلماسی و اقتصادی هستیم.

۳	سه‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۴۰۵ سال سی و هشتم شماره ۷۹۵۷ ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۶ ۱۰ ربیع الثانی ۱۴۴۸
----------	--

رئیس اتحادیه: قیمت‌ها ۱۰۰ درصد بالا رفته است

زنگ مدرسه با لوازم‌التحریر ۱۵ میلیونی



قیمت کاغذ نسبت به سال گذشته بیش از ۳۰۰ درصد افزایش داشته است؛ موضوعی که مستقیماً هزینه تولید دفتر و سایر محصولات کاغذی را افزایش می‌دهد.

گرانی البته فقط به محصول نهایی محدود نمی‌شود. تولیدکننده برای خرید مواد اولیه، چاپ، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و تأمین سرمایه در گردش نیز با هزینه‌های بیشتری مواجه است و در نهایت بخشی از این افزایش هزینه به قیمت مصرف‌کننده منتقل می‌شود.

برای بررسی وضعیت بازار و دلایل افزایش قیمت‌ها با محسن گلسستانی، رئیس اتحادیه فروشندگان نوشت‌افزار گفت‌وگو کردیم. گلسستانی به رویداد۲۴ می‌گوید لوازم‌التحریر از ۵۰ تا ۱۰۰ درصد افزایش قیمت داشته است.

به گفته گلسستانی، دفتر و کاغذ و مقوا بیشترین تورم را داشته‌اند و به واسطه مواد اولیه کاغذ تا

تحلیل

کنونی، نوسان نرخ ارز و تغییر درآمدهای ارزی، پیشنهاد اولیه اختصاص مبلغی بین ۱/۵ تا ۲ میلیون تومان به هر نفر ارائه شده است.

–**قیمت‌ها با سرعت نور پیش می‌روند**

اما واقعیت تلخ این است که در بازار، قیمت‌ه‌انجموی در حال افزایش هستند و حقیقت این است که وقتی امروز به بازار می‌رویم، هر مغازه قیمتی دارد و حتی ممکن است قیمت کالایی که یک ساعت پیش دیده بودیم، در فروشگاه‌های دیگر تغییر کرده باشد. هفته به هفته و ماه به ماه، قیمت‌ها صعودی است و قدرت خرید مردم به شدت سقوط کرده است. در حالی که حقوق و دستمزد‌ها ثابت مانده و این افزایش ناچیز کالابرگ در برابر تورمی که هر لحظه در حال پیشروی است، عملاً هیچ جایگاهی ندارد و پیش از آنکه به دست خانواده‌ها برسد، توسط گرانی بلعیده می‌شود.

–**توهم حمایت در سایه ارقام صعودی**

نکته تکان‌دهنده این است که دولت با اعلام این ارقام، گویی تصور می‌کند فشار اقتصادی را مدیریت کرده است. اما حقیقت این است که بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

هشدار

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان بسته‌ایم، پیش ببریم؟ این ظرفیتی که می‌تواند گر حبابی بسپاری از کارگاه‌های کفش باشد تا مواد اولیه‌شان را به موقع تأمین کنند و بازار شب‌اول مهر را از دست ندهند.

–**جنگ است: چرا «جنگی» فکر نمی‌کنیم؟**

امروز صنعتگر ایرانی، سرباز خط مقدم جنگ اقتصادی است. وقتی دستگاه‌های دولتی به جای تسهیل‌گری، به سبک‌اندازی و مانع‌تراشی روی می‌آورند، عملاً در حال خلق سلاح نیر‌های خودی هستند. کارخانه نباید بخوابد؛ کارخانه که خوابید، یعنی بیکاری، یعنی تورم، و یعنی شکست در

اولیه را باز کنند. استفاده از پتانسیل مرز نشینان در قالب «کوله‌بری» و «ته‌لنجی»، ظرفیتی است که سال‌هاست درگیر نگاه‌های امنیتی با محدودیت‌های غیر ضروری است. چرا دولت نباید سازوکاری هوشمندانه طراحی کند که در آن، بخشی از مواد اولیه ضروری کارخانه‌ها از طریق همین مسیرها و با نظارت دقیق وارد شود؟ چرا وقتی در جنگ اقتصادی هستیم، اصرار داریم همه چیز را از مسیرهای منجمد اداری و بانکی که خودمان